

Ancient Iranian-Islamic encyclopedias from the third to the fifth centuries AH

Najafqoli Habibi*

Abstract

In this article, first the expansion of the field of religious education of Islam (i.e., Islamic Theology) until the end of the first century A.H. is pointed out, and then the expansion of knowledge in various fields of science and education from literature, history, jurisprudence, rational sciences, medicine, and other sciences is briefly considered. Besides, the formation of Islamic civilization from the second century A.H. onwards, especially the House of Wisdom (Daarolhekma) in Baghdad in the late second and early third century A.H., is considered, and its effect on the general tendency of the people of knowledge to compile large collections in various religious, cultural, scientific, literary and historical fields—such as *Poetry and Poets* by Ibn Qutaybah Dinevari (267 A.H.), *Al-Tabaqat Al-Kubra* by Ibn Sa'd (230 A.H.) and tens of other titles over decades and centuries—have been discussed. After a brief explanation of these preliminaries, the features of the three encyclopedias (1) *Al-Ma'aref* by Ibn al-Qutaibe al-Dinevari, (2) *Mafatih al-Uloom* by al-Khwarizmi, and (3) Ibn Sina's encyclopedia are discussed.

Keywords: religious teachings, Islamic civilization, encyclopedias, Mafatih al-Uloom, Ibn Sina encyclopedia

* Associate Professor of Islamic Philosophy and Wisdom, University of Tehran, Najafholihabibi@gmail.com

Date received: 2019.05.18 Date of acceptance: 2019.09.21

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article . This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons , PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دانشنامه‌های کهن ایرانی - اسلامی

در سده‌های سوم تا پنجم هجری

دکتر نجفقلی حبیبی*

چکیده

در این مقاله ابتدا به گسترش حوزه آموزش‌های دینی اسلام تا اواخر سده اول هجری اشاره شده و سپس به چگونگی گسترش معارف در حوزه‌های مختلف علوم و معارف از ادب و تاریخ و فقه و علوم عقلی و پزشکی و دیگر دانش‌ها به اجمال توجه شده است. در ضمن شکل‌گیری تمدن اسلامی از قرن دوم هجری و به خصوص دارالحکمه بغداد در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری و تأثیر آن بر اقبال عمومی اهل فضل به تدوین و تألیف مجموعه‌های عظیم در حوزه‌های مختلف دینی و فرهنگی و علمی و ادبی و تاریخی از نوع *الشعر و الشعراء* «ابن قتیبه دینوری» (۲۵۹هش/۲۶۷ق) و *الطبقات الکبری* «ابن سعد» (۲۲۳هش/۲۳۰ق) و ده‌ها عنوان در طول دهه‌ها و سده‌ها مورد توجه قرار گرفته است. پس از تبیین مختصر این مقدمات، ویژگی‌های سه دانشنامه: *المعارف ابن قتیبه دینوری*، *مفاتیح العلوم خوارزمی* و *دانشنامه ابن سینا* پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش‌های دینی، دارالحکمه بغداد، *المعارف*، *مفاتیح العلوم*، *دانشنامه ابن سینا*.

*دانشیار فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران، Najafgholihabibi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

۱. مقدمه

این درست است که اسلام به موجب آیات شریف قرآن کریم و احادیث منقول نبوی، برای علم و تعلیم و تعلم اهمیت بسیار قائل شده است، اما به دلایل مختلف از جمله گرفتاری‌های سیاسی دوران پیامبر و دوران خلفای راشدین، فرصت چندانی برای کسب علم و تشکیل حلقات و جلسات درس و ساختن مدارس به‌عنوان مراکزی برای تعلیم و تعلم فراهم نگردید و احکام شریعت بیشتر حضوری و اغلب در مساجد تعلیم داده می‌شد. بحث قرائت قرآن مجید و نیز موضوع پیوستن جوامع غیرعرب به جمع مسلمانان عرب، نیازهای آموزشی خاصی را به‌وجود آورد. اولین تلاش‌های آموزشی برای قرائت قرآن مجید با قرائت‌های هفتگانه و نیز ضرورت آموزش زبان عربی به مسلمانان و غیرمسلمانان غیرعرب، جمعی را برمی‌انگیخت که برای آموزش زبان عربی به غیراعراب تلاش‌هایی صورت دهند و در این زمینه کارهای بسیار ارزشمندی توسط مسلمانان عرب و غیرعرب و به‌خصوص ایرانیانی همچون «سیبویه» فارسی انجام گرفت. به‌تدریج که نظام سیاسی اسلام قدرت گرفت و فتوحات توسعه یافت و جوامع گوناگونی به اسلام گراییدند و یا تحت حاکمیت مسلمانان درآمدند، دانش‌های مختلف به زبان عربی ترجمه شد. و کم‌کم مکتب‌های علمی و مدارس و دارالترجمه‌ها و مترجمان بزرگ در رشته‌های مختلف علمی موردنیاز جامعه با شور و شوق فراوان سامان یافت و علوم مختلف از دیگر مناطق و ملت‌های جهان به حوزه تمدنی قدرتمند اسلام وارد شد. از ملاحظات تاریخی معلوم می‌شود اولین تلاش‌های علمی مسلمانان، پس از استقرار حکومت تا اوایل قرن دوم هجری بیشتر معطوف به علوم زبان و ادبیات عرب و قرآن و حدیث و علوم شرعی و عقاید (کلام) مربوط به رفتار و دیدگاه و باور مسلمانان بود که در جریان آن، مکتب‌های مختلف ادبی و فقهی و کلامی به‌وجود آمدند و به‌تدریج با استقرار دولت عباسیان و جان‌گرفتن ملیت‌های غیرعرب اعم از مسلمان و غیرمسلمان که در دایره حکومت خلفای بنی‌عباس قرار داشتند، علوم مختلف از طریق ترجمه به حوزه فرهنگی مسلمانان وارد شد. این تحول عظیم از یک طرف باعث بالارفتن قدرت و قوت زبان عربی شد و از طرف دیگر شوق آموختن نسبت به تمام علوم زمانه، جامعه را فراگرفت. جامعه اسلامی در زمان حکومت‌های هارون‌الرشید و

دانشنامه‌های کهن ایرانی - اسلامی در سده‌های... (نجفقلی حبیبی) / ۱۰۳

به‌خصوص مأمون در اوج چنین آزادی بود و با سرعت شگفت‌انگیزی تقریباً تمامی علوم بشری آن روزگار از سراسر حوزه‌های علمی زمانه از ایران و یونان و اسکندریه مصر و... در بغداد پس از ترجمه مورد کندوکاو و بحث و جدل قرار گرفت و علوم مختلف از سطح ترجمه گذشتند و وارد مرحله اجتهاد و نوآوری شدند. کتاب‌ها پدید آمدند و مکتب‌های مختلف در هر حوزه علمی اعم از ادبی، فقهی، کلامی، فلسفی، پزشکی و ملل و نحل با تمام تقسیمات و فروعاتشان مورد استقبال طالبان علم در سرتاسر قلمرو اسلامی قرار گرفتند.

به‌عنوان مقدمه لازم است به‌اجمال به تبیین کیفیت تحولات بغداد و حضور علمی دانشمندان و پیدایش مدارس و مکاتب و بیت‌الحکمه و چگونگی این ظهور و تجلی علوم مختلف در تمدن اسلامی که منجر به تدوین دانشنامه‌ها شد، پردازیم.^[۱]

بغداد در زمان ساسانیان یک روستا بود، درحالی‌که مداین در نزدیکی بغداد، با طاق کسرایش در آن منطقه می‌درخشید. بغداد در دوره‌های نخستین حکومت‌های اسلامی نیز بر همان حال بوده است. مثلاً سعد وقاص عامل خلیفه دوم، به کوفه توجه داشت و معاویه عامل خلیفه سوم، به دمشق. البته معاویه پس از استقرار در مقام خلافت، به شکوه دمشق افزود. دمشق در این دوره، هم مقصد مهاجرت علما و ثروتمندان و مقامات، و هم میدان برخورد دیدگاه‌ها بود و این وضع در دوران حکومت امویان نیز کم‌وبیش ادامه داشت. چون خلافت به عباسیان رسید، آنها مقرر حکومت خود را از شام به عراق منتقل کردند. به نظر آنان شام محل امویان و طرفدارانشان بود و عراق محل طرفداران شیعه و بنی‌عباس. ابوالعباس سفاح نخستین خلیفه عباسی، ابتدا کوفه را و بعد الأنبار را مقرر خلافت خود کرد و سپس شهری به نام «الهاشمیه» را برای مقرر خلافت خود ساخت، اما پس از او منصور دومین خلیفه عباسی که در آنجا احساس امنیت نمی‌کرد، در سال ۱۴۲هـ.ش/۱۴۶ق ساختن بغداد را به پایان برد و مقرر خلافت خود را به آنجا منتقل کرد.^[۲]

منصور عباسی پس از انتقال مقرر حکومت خود به بغداد، به نشر علوم همت گماشت. علمای فقه و حدیث از جمله ابوحنیفه نعمان بن ثابت (۸۷-۱۴۶هـ.ش/۸۹-۱۵۰ق) را مقرب درگاه خود ساخت. منصور اولین کسی بود که در بغداد مدارس فقه و طب را ساخت و برای آنها اموال بسیاری هزینه کرد. به نوشته «ابن‌اثیر» در *الکامل*،

منصور نوشته‌های علمی بسیاری نزد خود داشت و هنگام مرگ به پسرش المهدی در این مورد سفارش کرد (ابن اثیر، ۱۳۴۸ق).

پس از المهدی، هارون الرشید (۱۶۶-۱۸۸هش/۱۷۱-۱۹۳ق) بر کرسی خلافت عباسیان تکیه زد. هارون که خود ادیب بود، به ادبا و علما میدان داد و ثروت فراوانی را برای علم و علما هزینه کرد. در روزگار او بغداد مهد تمدن و مرکز هنرها و آداب گردید و انبوهی از ادیبان و شاعران و دانشمندان و حکیمان در آنجا جمع آمدند. مدارس و کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها و رصدخانه بنا شد؛ تأسیس بیت‌الحکمة را نیز به او نسبت داده‌اند که کتاب‌های بسیاری را در آن گرد آورده بود. بیت‌الحکمة مجمع همه کسانی بود که با علم و هنر و ادب و کتاب سروکار داشتند.

پس از هارون، خلافت به امین پسر او (۱۸۸-۱۹۲هش/۱۹۳-۱۹۸ق) رسید. در روزگار امین، بغداد گرفتار فتنه بین او و برادرش مأمون گردید تا این که امین کشته شد و مأمون (۱۹۲-۲۱۲هش/۱۹۸-۲۱۸ق) زمام امور را به‌دست گرفت و بغداد مجدداً نشاط علمی خود را بازیافت. مأمون به بیت‌الحکمة توجه خاصی کرد و در آنجا برای هر دانشمندی جایی خاص در نظر گرفت و چنین بود که گوشه‌گوشه بیت‌الحکمة از دانشمندان و فیلسوفان و مترجمان و مؤلفان و ائمه لغت و رجال ادب آکنده بود.

مأمون بیش از دیگر خلفا اهل تسامح بود و در بغداد به‌خصوص در روزگار مأمون نوعی تسامح فکری وجود داشت و دانشمندان و متفکران در آن فضا جرأت می‌کردند آزادانه سخن بگویند و همین آزادی بیان، سبب رشد فرق کلامی شد. در واقع اگر کسی یا اندیشه‌ای برای اصل دستگاه خلافت زیانی نداشت، از آزادی کامل برخوردار بود، اما به‌عکس در همین ایام امام موسی کاظم پیشوای شیعیان سال‌ها در زندان هارون‌الرشید بود و در همان جا شهید شد. پیش از او منصور با امام صادق(ع) رفتار نامطلوب داشت و مأمون نیز در این میدان با امام علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) دست کمی از آنان نداشت.

بغداد تا روزگار المعتصم عباسی مقر خلافت عباسیان بود. المعتصم در ۲۱۵هش/ ۲۲۱ق «سرّ من رأی» (سامرا) را ساخت و مقر حکومت خود قرار داد. در ۲۷۰هش/ ۲۷۸ق المعتصم‌الله مجدداً بغداد را به پایتختی برگزید و به آنجا برگشت.

با ملاحظات فوق، در این دوره مدرسه‌های کلامی، مدرسه کوفه و بصره در علم نحو و دیگر مدارس به شدت رشد کردند. در چنین فضایی، گروه‌های اجتماعی مختلفی برای کاسبی، علم‌آموزی و...، گروه‌های مختلف از ملیت‌های گوناگون عربی، ایرانی، نبطی، ترکی، چینی، هندی، بربری، زنگی، با ادیان و مذاهب گوناگون، مسلمان و مسیحی و یهودی و صابئی و مجوسی و بودایی و جز آنان به بغداد هجوم آوردند.

در این دوره علوم و فنون مختلف از زبان‌های مختلف به عربی ترجمه شدند. مترجمان، مهم‌ترین عامل انتقال علوم به عالم اسلام بودند. نستوریان مثل آل بختیشوع و آل حنین و قسطنین لوقا، برخی از آثار را از سریانی به عربی و یا آثاری را که قبلاً از یونانی به سریانی ترجمه شده بود، از سریانی به عربی برمی‌گرداندند. ابن مقفع و فضل‌بن‌نویخت و بسیار دیگر از فارسی به عربی، منکه هندی از سانسکریت به عربی، و ابن‌وحشیه از نبطی (کلدانی) به عربی ترجمه می‌کردند. در این مدت چند صد کتاب ترجمه شد و پایه دوره طلایی تمدن اسلامی فراهم گردید. «خواجه‌نصیرالدین طوسی» در *اخلاق ناصری*، ضمن معرفی مدینه‌های فاضله، در باب یکی از انواع آن حکومت‌ها که به آزادی اهمیت می‌دهند، می‌گوید طولی نخواهد کشید که در چنین جوامعی شاعران و عالمان بزرگی ظهور خواهند کرد (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۴، ۲۹۷-۲۹۸) به‌نظر می‌رسد بغداد در عصر خلفای بزرگ عباسی مثل هارون و مأمون از این موهبت آزادی برخوردار بوده است و آثار گرانبهایی از این دوران، در جهان باقی مانده است.

بدین ترتیب، از آنجا که خلفا از یک طرف زندگی درخشان مادی و از طرف دیگر آزادی‌های مطلوب را برای اهل علم فراهم کردند، ادب و علوم و فنون در بغداد شکوفا شد و تاریخ، صورت‌های گوناگون آن نشاط علمی و فرهنگی در سده نخست تأسیس بغداد را ثبت کرده است. شاعران بزرگی در این فضا، رشد کردند؛ شاعرانی چون بشار بن برد، سید حمیری، و ابونواس که در اهواز متولد شد و در بصره رشد کرد و به کوفه رفت و سپس از آنجا به بغداد آمد و در آنجا رحل اقامت افکند، و ابوالعتاهیه که در کوفه رشد کرد و به بغداد آمد.

در بغداد، گروه‌های مختلف علمی شکل گرفت؛ در کنار شاعران، راویان و اخباریون و نسابه‌ها بودند که با انتشار اخبار پیشینیان، مایه رشد فرهنگی مردم می‌شدند؛ از آن جمله‌اند: ابوعبیده معمر بن مثنی که ابن‌ندیم ۱۰۵ اثر در موضوعات قرآن و لغت و امثال

و انساب و خاندان‌های عرب و... به او نسبت داده است. و همچنین از آن جمله است اصمعی که در بصره رشد کرد و در روزگار هارون به بغداد آمد. جمع کثیری از علمای نحو از جمله سیبویه فارسی (۱۷۸هـ/ش/۱۸۳ق) و کسایی (۱۸۴هـ/ش/۱۸۹ق) و بسیار دیگر در بغداد گرد آمدند و به این علم سامان دادند. در کنار این ادیبان، بسیاری از رجال لغت بودند که به معجم‌ها پرداختند که از آن جمله است: خلیل بن احمد عروضی (۱۷۵هـ/ش/۱۸۰ق)؛ و مؤلفانی از قبیل ابن مقفع (۱۳۹هـ/ش/۱۴۳ق) که کلیله و دمنه عربی، ادب صغیر و ادب کبیر و التاج در سیره انوشیروان و سیره شاهان عجم که از فارسی ترجمه شده، از جمله آثار اوست. و از اصحاب موسیقی، اسحاق بن ابراهیم موصلی (۲۲۸هـ/ش/۲۳۵ق). از فقها، ابوحنیفه (۱۴۶هـ/ش/۱۵۰ق) که در کوفه رشد کرد و به منصور پیوست و نیز احمد بن حنبل (۲۳۴هـ/ش/۲۴۱ق) صاحب المسند. از محدثان بزرگ، واقدی (۲۰۱هـ/ش/۲۰۷ق) و سفیان ثوری (۱۵۷هـ/ش/۱۶۱ق). مورخان بزرگی نیز در این دوره بوده‌اند که از آن جمله‌اند: محمد بن اسحاق (۱۴۷هـ/ش/۱۵۱ق)؛ هشام بن محمد (۲۰۰هـ/ش/۲۰۶ق) مؤلف جمهرة الأنساب، واقدی (۲۱۱هـ/ش/۲۱۷ق) مؤلف المغازی، و ابن سعد (۲۲۳هـ/ش/۲۳۰ق) مؤلف الطبقات الکبری.

با توجه به ظهور گروه‌های مختلف علمی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و تألیف و انتشار و گسترش انواع اطلاعات در حوزه‌های مختلف علمی و ادبی و تاریخی و...، علما به تدریج از ترجمه و اقتباس گذشتند و به فعالیت‌های علمی مستقل و اجتهاد و ابداع روی آوردند. الکندی، معروف به فیلسوف عرب، تلاش‌های علمی مستقل خود را در این دوره آغاز کرد.

۲. دانشنامه‌نویسی

۱.۲ دانشنامه‌های کهن ایرانی - اسلامی

از اوایل قرن سوم هجری، دانشمندان مسلمان آثاری مکتوب در حوزه‌های مختلف علمی پدید آوردند که با توجه به معیارهای دانشنامه‌نگاری می‌توان آنها را دانشنامه‌های علمی تلقی کرد. این متون ویژگی‌هایی چند دارند که از شمار آنها می‌توان به جامعیت موضوعات اشاره داشت. نویسندگان دانشنامه‌های کهن، بسته به آنکه موضوع این آثار

دانشنامه‌های کهن ایرانی - اسلامی در سده‌های... (نجفقلی حبیبی) / ۱۰۷

دانشنامه‌ای چه باشد، خواه مجموعه‌ای از علوم را دربرگرفته یا به دانشی خاص پرداخته باشند، تلاش داشتند تمام موضوعات شناخته‌شده در آن حوزه علمی را در مجموعه‌ای مکتوب گردآوری کنند. به این معنا، بسیاری از متون دانشنامه‌ای آن دوره، چکیده‌ای از تجارب و نتایج علمی بود که دانشمندان نسل‌های گذشته به آنها پرداخته و مسلمانان، آن علوم را پی گرفته بودند. از دیگر ویژگی‌های متون دانشنامه‌ای کهن، دامنه گسترده مخاطبان آنهاست. بسیاری از پدیدآورندگان چنین دانشنامه‌هایی، آثار خود را برای بهره‌مندی متخصصان درجه اول تألیف نکردند، بلکه مخاطبان آنها علاوه بر متخصصان، کسانی از طبقه متوسط علمی را شامل می‌شد که اجمالاً توان فهم و یادگیری موضوعات مطرح شده را داشته باشند. این ویژگی به‌طور خاص در دانشنامه‌های چنددانشی بارز و آشکار است. علاوه بر اینها دامنه گسترده موضوعات مطرح شده در دانشنامه‌ها، عملاً امکان مفصل‌نویسی را محدود می‌کرد و حاصل کار (در اغلب متون دانشنامه‌ای) متنی نسبتاً منسجم بود. بسیاری از متون دانشنامه‌ای در این دوره، آثاری بودند که توسط یک نفر تألیف می‌شدند. گرچه در این میان استثناهایی مانند *رسائل اخوان الصفاء* نیز وجود دارد که حاصل کار گروهی بوده است، یا برخی متون دانشنامه‌ای که پس از مرگ مؤلف اصلی توسط دیگران تکمیل شده‌اند. ترتیب طرح مطالب و موضوعات در دانشنامه‌های کهن، مانند متون کتاب‌های لغت یا دانشنامه‌های امروزی براساس ترتیب الفبایی نیست، بلکه موضوعات مطرح در این آثار، براساس اولویت‌های موردنظر مؤلف یا براساس سنت طبقه‌بندی علوم تنظیم شده‌اند. گرچه نخستین نمونه‌های متون دانشنامه‌ای در این دوره الزاماً از نظام طبقه‌بندی یکسان پیروی نکرده‌اند و چه‌بسا نویسنده‌ای براساس گرایش‌های علمی و با توجه به اجتهاد خود موضوعات موردنظر را به شیوه‌ای نسبتاً خاص طرح کرده باشد. در برخی از متون دانشنامه‌ای متقدم به‌ویژه آنها که به موضوع ادب پرداخته‌اند، گاه ساختار طرح مطالب و موضوعات، خواه‌ناخواه به‌گونه‌ای شکل گرفته است که الزاماً نمی‌توان نظمی مشخص برای موضوعات کتاب قائل شد. کتاب *الحيوان* اثر «جاحظ» نمونه‌ای از این آثار است. با توجه به ویژگی‌های فوق و با تسامح می‌توان متون دانشنامه‌ای این دوره را به چند دسته تقسیم کرد؛ یک دسته متونی هستند که موضوع ادب و آداب در آنها محوریت دارد. مفهوم ادب به‌لحاظ تاریخی دامنه معنایی شگفت‌انگیزی داشته است و

به موضوعات گوناگونی اشاره دارد. ادب در زمان تنظیم این متون دانشنامه‌ای به یک معنا به مجموعه‌ای از دانش‌ها و آداب اطلاق می‌شد که بهره‌مندی از آنها برای مردم فرهنگی شایسته بود. ابن‌قتیبه با اشاره به این معنی از ادب، گفته است: «اگر سر آن داری که عالم گردی در یک رشته از علم مطالعه کن و اگر می‌خواهی ادیب گردی از هر چیز بهترین آن را فراگیر» (آذرنوش، ۱۳۷۰). دسته‌ای از دانشنامه‌های ادبی را می‌توان متونی دانست که در اصطلاح پندنامه نامیده می‌شوند. این مجموعه‌ها شامل نصایح و اندرزهایی هستند که غالباً محتوای سیاسی و اخلاقی و مذهبی دارند و قالب آنها به صورت مکتوباتی است که شخصی حکیم خطاب به یکی از فرمانروایان یا حتی عموم دانش‌دوستان نوشته است. متونی همچون *قابوس‌نامه*، *کیمیای سعادت* و نیز *سیاست‌نامه* خواجه نظام‌الملک از این شمار است.

دسته دیگر، متونی علمی هستند که براساس فهرست علوم یا طبقه‌بندی علوم تنظیم شده‌اند. آشنایی مسلمانان با علوم مختلف که بر اثر نهضت ترجمه صورت پذیرفت، ضمن اینکه مسلمانان را با الگوهای طبقه‌بندی علوم در میان ملل مختلف آشنا کرد، عملاً نیاز به طبقه‌بندی علوم را در آثار دانشنامه‌ای چنددانشی ضروری کرده است. برخی از چنین متون دانشنامه‌ای، موضوعات علمی را به صورت جامع و فراگیر مورد توجه قرار نداده‌اند، بلکه به اختصار به توصیف گونه‌های مختلف علوم پرداخته‌اند. بسیاری از این آثار از سنت علمی پیش از اسلام به ویژه سنت یونانی، تبعیت می‌کنند و علوم مربوط به سنت اسلامی نیز به آنها اضافه شده است. با این حال شماری از این آثار همچنان که دامنه‌ای نسبتاً گسترده دارند، مباحث علمی را نیز به صورت نسبتاً عمیقی بررسی کرده‌اند و عملاً فراتر از توصیف و طبقه‌بندی ساده علوم جای دارند.

دانشنامه‌هایی که به صورت تک‌دانشی و در شاخه‌ای خاص از علوم، نگارش یافته‌اند، به فراخور موضوع علمی می‌توانند در ذیل دسته‌بندی‌های فوق جای گیرند. در این مقاله تا حد امکان به مهم‌ترین گونه‌های دانشنامه‌های کهن اشاره خواهد شد.

۲.۲ الحيوان

در میان نخستین نمونه‌های متون دانشنامه‌ای که می‌توان آن را در شمار متون ادبی نیز دانست، آثار عمر بن بحر جاحظ (وفات ۲۴۸هـ/ش / ۲۵۵ق) جای دارد. از آثار پرشمار

جاحظ کتاب *الحيوان* قابل توجه است. باتوجه به نام الحيوان انتظار می‌رود این اثر صرفاً متنی در حوزه جانورشناسی باشد، حال آنکه گنجینه‌ای بزرگ در زمینه ادب در آن جای دارد. باتوجه به اینکه جاحظ این اثر را به محمدبن عبدالملک زیات، وزیر معتصم و الواثق اهداء کرده است، آن را باید از آخرین تألیفات مهم جاحظ دانست (فرزانه، ۱۳۸۸). جاحظ خود در مقدمه کتاب یادآور شده است که مخاطبان کتاب صرفاً دانشمندان و متخصصان نیستند، بلکه عموم مردم (المتوسط العامی) که دارای سواد و علاقه باشند نیز می‌توانند از آن بهره ببرند. به تعبیر نویسنده، کتاب همچنان که مورد استفاده استادان قرار می‌گیرد، می‌تواند برای مبتدیان نیز سودمند باشد. کتاب *الحيوان* در مقایسه با آثار دانشنامه‌ای که بعدها پدید آمدند، انسجام و یکدستی چندانی ندارد و انبوهی از اطلاعات مختلف در میان ابواب آن منتشر شده است. خود جاحظ نیز به این ناهمگونی اعتراف دارد و دلیل آن را ناخوشی و سالخوردگی خود و حجم بالای کتاب می‌داند.

۳.۲ المعارف

شماری از آثار «ابن قتیبه دینوری» نیز در گونه دانشنامه‌ها جای می‌گیرد. *المعارف* یکی از این آثار است که با تفصیل بیشتر بررسی می‌شود. ابن قتیبه دینوری (۲۰۷-۲۶۸هش/۲۱۳-۲۷۶ق) در اوج شکوفایی علمی جامعه اسلامی در بغداد، حضور علمی داشته و گرچه این سوی و آن سوی جهان اسلام رفت و آمد کرده و از جمله مدتی در دینور شهری از توابع «قرمیسین» (کرمانشاه)، نزدیک کنگاور مسئولیت قضا داشته و به همین ملاحظه به «دینوری» شهرت یافته است، اما مراحل مختلف تحولات و شکوهمندی علمی آن ایام در بغداد را شخصاً مشاهده کرده است. او در طول زندگی خود از جمعی از بزرگان شعر و ادب مثل دعبل خزاعی (وفات ۲۳۹هش/۲۴۶ق) و جاحظ بهره برده و از نزدیک با مشاهیر و دانشمندان بزرگ آشنایی داشته است که از میان آنها می‌توان به مورخان بنامی مثل یعقوبی (وفات ۲۷۰هش/۲۷۸ق) و بلاذری (وفات ۲۷۱هش/۲۷۹ق) و ابوحنیفه دینوری، و به جغرافی دانان بزرگی مثل ابن خرداد به (وفات ۲۷۲هش/۸۰ق)، و به علمای کلام مثل ابوالهذیل علاف (وفات ۲۲۵هش/۲۳۲ق)، و به محدثانی مثل محمدبن اسماعیل بخاری (وفات

۲۴۹هـ.ش/۲۵۶ق) و ابن ماجه (وفات ۲۶۵هـ.ش/۲۷۳ق) و حتی به فلاسفه و منطق‌دانانی مثل ابن ماسویه یوحنا (وفات ۲۴۶هـ.ش/۲۵۳ق) اشاره کرد. اسحاق بن راهویه (وفات ۲۳۱هـ.ش/۲۳۸ق) استاد ابن قتیبه از ائمه فقه و حدیث است که با شافعی مناظره کرده و بخاری و مسلم و نسائی و ترمذی و ابوداود، صاحبان صحاح سته از او روایت کرده‌اند. المعارف اثر ابن قتیبه دینوری از جمله اولین دانشنامه‌ها، در آغاز شکفتن تمدن اسلامی است. در این مقطع از تاریخ تمدن اسلامی، کتاب‌هایی در موضوعات خاص که نوعی دانشنامه محسوب می‌شوند، پدید آمده‌اند که از آن جمله‌اند: *الطبقات الکبری* «ابن سعد» (۲۲۳هـ.ش/۲۳۰ق)، *طبقات الشعراء* «محمد بن سلام» (۲۲۵هـ.ش/۲۳۲ق)، *یتیمه الدهر* «ثعالبی»، *دمیه القصر* «باخرزی». همچنین کتاب‌هایی برای مفسران و نحویان و حکما و اطبا و مذاهب و کتابشناسی‌ها و غیره نیز پدید آمده‌اند. در واقع ابن قتیبه در اوج شکوه علمی جامعه اسلامی حضور علمی داشته و البته چنان درخشیده که خود یکی از آن قله‌ها شده است.

خصوصیات دانشنامه المعارف ابن قتیبه را از مقدمه خود او بر کتاب المعارف و براساس چاپ منقح و عالمانه دکتر ثروت عکاشه نقل و معرفی می‌کنم.^[۳] براساس آنچه خود او در مقدمه المعارف گفته، کتاب مشتمل بر چند موضوع است:

- نخست به آغاز آفرینش و زندگی پیامبران و اعقاب و ذریه آنان تا زمان حضرت مسیح و پس از آن حضرت توجه کرده است؛
- سپس به اختصار به نسب‌های اعراب و قبایل و بطن‌های مشهور آنان پرداخته است؛
- پس از آن اخبار رسول‌الله (ص) و خاندان او، مبعث و جنگ‌ها و زندگی آن حضرت تا وفات ایشان را در آن می‌خوانیم؛
- پس از آن، اخبار مهاجران و صحابه مشهور و خلفا از زمان معاویه تا المستعین بالله (عباسی)؛
- آنگاه از صحابه و خوارج و تابعین؛
- و پس از آنان از حاملان حدیث و اصحاب رأی و کسانی که به رفض [رافضه] و تشیع [شیعه] و ارجاء [مرجئه] و قدر [قدریه] شهرت دارند؛
- پس از آنها به اصحاب قرائات از اهل حجاز و مکه و عراقین و شام؛

دانشنامه‌های کهن ایرانی - اسلامی در سده‌های... (نجفقلی حبیبی) / ۱۱۱

- نسابه‌ها و اصحاب اخبار و راویان شعر و نحو و معلمان و مهاجران از صحابه و تابعان و نیز اولین کسانی که پدیده‌ای ماندگار آفریده‌اند؛
- مساجد مشهور مثل کعبه و بیت‌المقدس و مسجد مدینه و مسجد بصره و مسجد کوفه و مسجد دمشق که چه وقت و به دست چه کسانی بنا شده‌اند؛
- به حدود جزیره‌العرب و حدود سواد و جزیره بین دجله و فرات و حدود نجد و حجاز و تهامه پرداخته است؛
- از فتوحات اعم از آنچه عنوة بوده یا از سر صلح به دست آمده، خبر داده است؛
- و نیز از فرق بین مهاجران نخستین و مهاجران واپسین؛
- و از مخضرمین که جاهلیت و اسلام را درک کرده‌اند آگاهی داده است؛
- و از ادیان عرب در ایام جاهلیت؛
- و از کارها و صناعات اشراف در ایام جاهلیت؛
- و از بیماری‌هایی که به بیماری‌های چون برص مبتلا بوده‌اند؛
- و از بلندقدان مفرط و از کوتاه‌قدان مفرط؛
- و از منسوبان به غیرعشیره و پدرانشان؛ و از کسانی که به کنیه نامیده شده بودند؛
- و از طاعون‌ها و اوقاتشان؛
- و از ایام مشهور مثل روز «ذی‌قار» و «حلف‌الفضول» و جز اینها؛
- و از گروه‌هایی که نامشان متل شده است مثل قوس حاجب، و حُمق باقل، شقائق النعمان، حدیث خرافه و سحبان وائل و خُفّی حنین و...؛
- یک‌یک شاهان حیره و یمن و فارس (ایران) و... و مدت پادشاهی‌شان و بخشی از سیره آنان.

البته ابن‌قتیبه به تصریح خود در بیان تمام این موارد ایجاز را رعایت کرده و در توجیه آن گفته است اگر به تفصیل می‌پرداختم کتاب چنان به‌درازا می‌کشید که از نسخ آن ناتوانی حاصل می‌شد تا چه رسد به حفظ آن، و پنهان و آشکار آن به هم درمی‌آمیخت و برای نفوس ملال‌آور می‌شد (دینوری، ۱۹۶۰م).

چنان‌که از بیان خود او معلوم گردید این کتاب بیشتر دربرگیرنده اطلاعات عمومی و کلی در حوزه تاریخ باتوجه به موضوعات مختلف آن، اعم از حوادث و اقوام و قبایل

- و گروه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و ادبی است و ادبیات جوامع مختلفی که در حوزه فرهنگ اسلامی قرار داشتند و عموم مشتاق دانستن آنها بودند. فهرست کلی کتاب به این شرح است:
- آغاز آفرینش، تعداد پیامبران و تاریخ آنان، این قسمت به‌خصوص بخش آفرینش، منحصرأ از تورات گرفته شده است؛
 - نام کسانی که قبل از بعثت پیامبر اسلام دیندار بوده‌اند؛
 - اسماء خلفاء از معاویه تا المعتمد علی‌الله آخرین خلیفه عباسی؛
 - مشهوران از اصحاب و خروج‌کنندگان؛
 - تابعین و بعد از آنان؛
 - اصحاب رأی؛ اصحاب قرائات؛ قراء الألحان؛
 - نسب‌شناسان و اصحاب اخبار؛ راویان شعر؛ معلّمان؛ مهاجران؛
 - اولین‌ها؛ مثلاً اولین کسی که کاغذ را درست کرد یوسف نبی (ع) بود؛ و اولین کسی که صابون را درست کرد سلیمان بن داوود نبی (ع) بود؛
 - مساجد مهم مثل کعبه، مسجدالنبی مدینه، مسجد کوفه و...؛
 - فتوحات: یعنی سرزمین‌هایی که در اسلام فتح شدند و فاتحان آنها؛ مثلاً بیت‌المقدس که توسط عمر فتح شد؛ و مصر که به دست عمرو عاص؛ و اهواز و اصفهان و نهاوند که «عَنَوَهُ» فتح شدند؛
 - موضوعات متفرقه: مثل کوتاه‌قدترین‌ها، بلندقدترین‌ها، افراد مشهور با کنیه، تاریخ طاعون‌ها؛
 - مشاغل اشراف: مثلاً ابوطالب عطر فروش بوده، ابوبکر، بزاز، و زبیر، جزاز بوده و پدر زبیر خیاط؛
 - افرادی از یک خاندان که پیامبر را دیده‌اند مثلاً قحافه، بعد ابوبکر بن قحافه، بعد عبد الرحمن بن ابوبکر و بعد پسر او، ... ؛
 - افرادی که در جنگ‌ها کور شده‌اند مثل عدی بن حاتم در روز جمل، و اشتر نخعی در یرموک؛
 - کچل‌ها، ازرق‌ها، چشم لوچ‌ها، ...؛
 - کسانی که به دو قبله (بیت‌المقدس و کعبه) نماز خوانده‌اند ...؛

دانشنامه‌های کهن ایرانی - اسلامی در سده‌های... (نجفقلی حبیبی) / ۱۱۳

- مخضرمین (کسانی که قبل و بعد از اسلام را درک کرده‌اند)، مهاجران نخستین و ...؛
 - فرقه‌ها (بسیار کوتاه) مثل شیعه، خوارج، قدریه، مرجئه و ...؛
 - اسماء غلات و رافضیان، ...؛
 - کسانی که مثلاً هفت ماهه متولد شده‌اند؛
- ملوک (البته هیچ سندی نمی‌دهد): مثلاً ملوک یمن، ملوک حبشه، ملوک شام، ملوک حیره، ملوک عجم.

۴.۲ جاویدان خرد

از متون دانشنامه‌ای که در قالب اندرزنامه و حکایات تنظیم شده‌اند، می‌توان به کتاب *جاویدان خرد* یا *الحکمة الخالده* اشاره کرد که به صورت گسترده از میراث پیش از اسلام بهره برده است. این اثر دربردارنده حکمت‌های اقوام مختلف است. بخش «حکم الفرس» آن ترجمه‌ای از متنی کهن با نام *جاویدان خرد* است. کتاب دارای چند بخش است و حکمت‌های پارسیان، هندوان، اعراب، رومیان و برگزیده‌هایی از ادیبان و فیلسوفان دوره اسلامی را شامل می‌شود.

۵.۲ قابوس نامه

قابوس نامه اثر «عنصرالمعالی کیکاووس زیاری» نمونه‌ای دیگر از این متون است که متأثر از فرهنگ ایران قبل از اسلام بوده است. کتاب چهل و چهار باب دارد. سی باب نخست آن به نصایح اخلاقی و سفارش به پارسایی، خرد و آداب معاشرت می‌پردازد. از باب سی و یک به بعد به امور و پیشه‌ها اختصاص دارد و موضوعاتی همچون طلب علوم دینی، فقاقت، بازرگانی، طب، نجوم، شاعری، خنیاگری، خادمی و ندیمی پادشاه، دبیری و دیگر مؤلفه‌های نهاد سلطنت، در آن برشمرده شده است. *قابوس نامه* نمونه‌ای برجسته از اندرزنامه‌نویسی سیاسی در ایران دوران اسلامی به شمار می‌رود و به لحاظ جامعیت موضوعات، می‌تواند در شمار متون دانشنامه‌ای جای گیرد.^[۴]

۶.۲ احصاء العلوم

در زمینه دانشنامه‌هایی که به معرفی علوم اختصاص دارند و براساس شیوه طبقه‌بندی علوم تنظیم شده‌اند، آثار نسبتاً پرشماری از این دوره در دست است. نمونه شاخص این

متون، *احصاء العلوم* «فارابی» است که در نیمه قرن چهارم هجری نوشته شد و به نوعی پایه فرهنگنامه‌های علمی اسلامی پس از خود قرار گرفت. همچنان که از نام *احصاء العلوم* برمی آید، فارابی در این اثر، قصد فهرست کردن علوم را داشته است. ظاهراً *احصاء العلوم* در نوع خود از اولین آثار بوده است که به صورت دایرةالمعارفی به معرفی علوم مختلف پرداخت. فارابی در این اثر از ۲۰ علم سخن به میان آورده و به ایجاز درباره موضوع و فواید هر یک سخن گفته است. این کتاب به علم زبان‌شناسی و شاخه‌های آن همچون نحو، صرف، بیان، شعر، قوانین کتابت و قوانین قرائت پرداخته است. علم منطقی و شاخه‌های آن بخش بعدی کتاب است. بخش سوم به علوم ریاضی و بخش چهارم به علوم طبیعی و الهی و بخش آخر به علوم اجتماعی همچون اخلاق، سیاست مدن و فقه و کلام اختصاص دارد.

از دیگر آثار در این زمینه رساله *اقسام العلوم العقلیة* اثر «ابن سینا» است که گرچه متنی دانشنامه‌ای نیست، ولی در ترتیب موضوعات متون، دانشنامه‌ای سودمند بوده و در آن به اقسام حکمت پرداخته شده است. حکمت در این رساله به نظری و عملی تقسیم می‌شود. همچنین در آن، به گونه‌های حکمت طبیعی و ریاضیات و علم الهی و منطقی نیز پرداخته شده است.

۷.۲ رسائل اخوان الصفا

از مهم‌ترین مجموعه‌های دایرةالمعارفی مربوط به این دوره می‌توان از *رسائل اخوان الصفا* نیز یاد کرد که گونه‌ای از دانشنامه عمومی به‌شمار می‌رود، گرچه این رسائل به دلیل هویت مرموز نویسندگان آن به‌عنوان منبعی رسمی و مورد تأیید علمای مسلمان که مذهب اهل سنت داشتند، قرار نگرفت. نویسندگان *اخوان الصفا* در بصره فعالیت داشتند و در مجموعه رسائل خود دایرةالمعارفی جامع با ۵۲ رساله تنظیم کردند. این رسالات به چهار بخش تقسیم می‌شوند؛ بخش اول، ۱۴ رساله در شعب مختلف ریاضیات، شامل حساب، هندسه، نجوم، هنرها و صنایع عملی و منطقی است. بخش دوم، شامل علوم طبیعی است که به سیاق آثار ارسطو بیان شده است و از هیولی و صورت و زمان و مکان و حرکت آغاز می‌شود و با بحث درباره آثار علوی ادامه می‌یابد

و به معادن و نبات و حیوان و انسان می پردازد و با علم النفس خاتمه می یابد. بخش سوم رسالات، شامل ده رساله در مابعدالطبیعه است و بخش آخر آن که رسائلی مانند ناموسیه و الهی و شرعیه دینیه دارد، شامل یازده رساله است.

۸.۲ مفاتیح العلوم

کتاب *مفاتیح العلوم خوارزمی* از شاخص ترین دانشنامه‌های چنددانشی این دوره است.^[۵] در باب زندگی خوارزمی اطلاعات روشنی در دست نیست. نامش محمد بن احمد بن یوسف کاتب خوارزمی است. در *وفیات الأعیان* «ابن خلکان»، حتی عنوان مستقلی برای خوارزمی مؤلف *مفاتیح العلوم* در نظر گرفته نشده است و فقط در جلد ششم، وجه تسمیه بهرام گور را از *مفاتیح العلوم* او نقل کرده است (ابن خلکان، ۱۹۷۰م، ۳۵۵). خوارزمی، چنان که در مقدمه گفته این کتاب را برای «خواجه خردمند ابوالحسین عتبی» تألیف کرده است (خوارزمی، ۱۳۶۲) و به نقل استاد خدیو جم از یادداشت مرحوم محمد قزوینی، عتبی در حدود ۳۵۶هـ/ش / ۳۶۷ق به وزارت رسیده و حدود ۳۶۰هـ/ش / ۳۷۱ق یا ۳۶۱هـ/ش / ۳۷۲ق کشته شده است؛ از این روی این کتاب بین سال‌های ۳۶۱-۳۵۶هـ/ش / ۳۶۷-۳۷۲ق به نام عتبی وزیر نوح بن منصور بن نوح بن نصر سامانی تألیف شده است.

مفاتیح العلوم در دو مقاله و در مجموع در ۱۵ باب (هر باب درباره یک علم) و ۹۳ فصل تنظیم شده است:

مقاله اول در علوم شریعت و آنچه بدان وابسته است؛ وی آنها را در شش گروه و در ضمن شش باب، هر باب درباره یک علم، و در مجموع در ۵۲ فصل به این شرح دسته‌بندی کرده است:

- باب اول در علم فقه در ۱۱ فصل؛
- باب دوم در علم کلام در ۷ فصل؛
- باب سوم در علم نحو در ۱۲ فصل؛
- باب چهارم در علم دبیری (نویسندگی) در ۸ فصل؛
- باب پنجم در علم شعر و عروض در ۵ فصل؛
- باب ششم در علم اخبار در ۹ فصل.

مقاله دوم در علوم مختلف در ۹ باب، و هر باب درباره یک علم و در مجموع در ۴۱ فصل به این شرح:

- باب اول در فلسفه در ۳ فصل؛
- باب دوم در منطق در ۹ فصل؛
- باب سوم در علم طب در ۸ فصل؛
- باب چهارم در علم عدد در ۵ فصل؛
- باب پنجم در علم هندسه در ۴ فصل؛
- باب ششم در علم نجوم در ۴ فصل؛
- باب هفتم در علم موسیقی در ۳ فصل؛
- باب هشتم در علم حیل در ۲ فصل؛
- باب نهم در علم کیمیا در ۳ فصل.

خوارزمی در مقدمه، علت و کیفیت کار خود را به خوبی و با کوتاه‌ترین عبارات توضیح داده است. او خواسته کتابی بنویسد که کلید دانش‌ها باشد و برای توجیه کارش از این مثال استفاده می‌کند که اگر ادیبی بخواهد به یکی از کتب حکمت یا فقه یا نجوم رجوع کند بدون آشنایی با آن علوم، از آن کتاب چیزی نخواهد فهمید. وی دو سه مثال برای نمونه ذکر کرده است؛ مثلاً «رجعه» نزد لغوی و فقیه و منجم دارای معانی متفاوتی است و یا کلمه «وتد» نزد لغویان و مفسران و منجمان و عروضیان دارای معانی مختلف است (خوارزمی، ۱۳۶۲). از این مثال او که برای رفع مشکل ادیب بیان کرده است، معلوم می‌شود نظر او بیشتر بر حل معضل منشیان و ادیبان بوده است که معمولاً در مکاتباتشان به اصطلاحات علوم مختلف نیاز پیدا می‌کرده‌اند. او در این کتاب آگاهانه کوشیده است با پرهیز از ایجاز مُخَلّ و اطناب مُمَلّ، باب آشنایی با اصطلاحات علوم مختلف را برای علاقه‌مندان باز کند و دقت کرده اصطلاحاتی را بیاورد که بیشتر مورد نیاز بوده است. در واقع او کتاب خود را مدخل بیشتر دانش‌ها قرار داده است؛ برای نمونه چند اصطلاح از بعضی از علوم نقل می‌شود تا شیوه کار او برای خواننده محترم روشن شود:

مثلاً در فصل اول از باب سوم از بخش اول که در علم نحو است، درباب وجوه اعراب و مبادی علم نحو، می‌گوید: این دانش را در زبان یونانی «گراماتیقی» (گرامر) می‌نامند و در لغت عرب «نحو» (همان).

کلام: از سه جزء تشکیل می‌شود: اسم، فعل و حرف با ذکر مثال توضیحی برای هرکدام.

در فصل چهارم همین علم نحو، در ترتیب اسماء: اسم سالم، متمکن، اسم مضاف، اسم معتل، اسم مقصور و اسم ممدود با مثال‌هایی برای هرکدام.

در فصل پنجم درباب مرفوعات: اسم در ۷ مورد مرفوع می‌شود، بعد موارد با مثال توضیح داده شده است.

در باب چهارم درباب دبیری از اصطلاحات و اسامی یادداشت‌ها و دفاتر: مانند «اوارج» (آواره) به معنی «منقول» (دفتر یادداشت)، «روزنامج» (روزنامه) و اصطلاحات دیوان خراج با اصطلاحات متعدد. اصطلاحات دیوان خزانه، دیوان برید، دیوان سپاه، دیوان ضیاع و نفقات و... مثلاً در فصل هشتم در اصطلاحات دبیران، در باب «ترصیع» می‌گوید: ترصیع سخن مسجعی است که نه تنها اواخر هر جزء آن هماهنگ است بلکه باید در تمام اجزاء و کلماتش هماهنگی موجود باشد؛ مثل «حتی عاد تعریضک تصریحاً و تمریضک تصحیحاً».

در باب اول از مقاله دوم که در فلسفه است، می‌گوید این کلمه از «فیلاسوفیا» مشتق شده و یونانی است و معنی آن دانش‌دوستی است. چون معرب شده، گفته‌اند «فیلسوف» و سپس فلسفه از آن مشتق شده است (همان). بعد تقسیمات آن را به نظری و عملی، و تقسیمات نظری به طبیعی و الهی (که در یونانی «ثاولوجیا» نامیده می‌شود و قسم سوم «تعلیمی و ریاضی» و بعد تقسیمات هریک از فلسفه طبیعی و الهی و ریاضی را و نیز تقسیمات فلسفه عملی را که عبارت‌اند از: «اخلاق» و «تدبیر منزل» «اداره اجتماع و ملت و کشور» توضیح داده است. و پس از آن اقسام هریک از علوم طبیعی و ریاضی را به اختصار تعریف کرده و گفته است «علم حیل» (مکانیک) با علوم طبیعی و ریاضی اشتراکاتی ندارد. در فصل سوم این باب به توضیح اصطلاحاتی می‌پردازد که در فلسفه و کتب فلسفی بسیار به کار می‌رود مثل هیولی، صورت، اسطقس، کیفیات اولی، زمان، مکان، جسم تعلیمی، جسم طبیعی و امثال اینها. برای این که معلوم شود او

چگونه اصطلاحات را تبیین کرده است چند اصطلاح از فصل سوم بخش فلسفه عیناً نقل می‌شود:

«عالم طبیعی»: آنچه که از زیر فلک قمر تا مرکز زمین قرار دارد، عالم طبیعی است. «هیولی»: هر جسمی که صورتی را حامل باشد هیولی است؛ مانند چوب برای میز. هنگامی که به صورت مطلق «هیولی» گفته شود مقصود آن چیزی است که طبیعت عالم است؛ یعنی جسم فلک اعلی و آنچه از افلاک و ستارگان و عناصر چهارگانه و ترکیبات آنها، در آن واقع شود.

«صورت»: یعنی هیأت شیء و آن شکلی است که هیولی به وسیله آن صورت می‌پذیرد و جسمیتش تکمیل می‌شود مانند میز بودن برای چوب.

«جسم»: از هیولی و صورت تشکیل می‌شود و هیولی بدون صورت جز در وهم وجود ندارد.

«زمان»: مدتی است که مقدار آن به وسیله حرکت تعیین می‌شود مانند حرکت افلاک و دیگر متحرک‌ها.

ابواب منطق را در ۹ بخش ایساغوجی، قاطیغوریاس... و با اصطلاحات زیرمجموعه هر کدام به اختصار توضیح داده است. برای نمونه:

«قیاس حملی»: قیاسی است که از دو مقدمه که در یک حدّ مشترک باشند تشکیل شود و این حدّ مشترک را «حدّ اوسط» گویند و دو حد دیگر را «طرفین» می‌نامند.

«شکل اول»: اگر حد وسط در یکی از دو مقدمه، موضوع واقع شود و در دیگری محمول، این ترتیب را شکل اول از اشکال قیاس گویند.

در باب سوم از مقاله دوم که در «طب» است در ضمن ۸ فصل، برخی اصطلاحات آن را تعریف کرده و توضیح داده است؛ برای نمونه چند اصطلاح نقل می‌شود:

«شراین»: رگ‌های جهنده، مفردش «شریان» است که از دل برآید. در این شریان‌ها حرارت غریزی یعنی طبیعی منتشر می‌شود.

«باسلیق»: از رگ‌های مشهور ناهنده است که رگ زیرین نام دارد و در محل مرفق، در جانب «إنسی» آشکار می‌شود و تا زیر بغل ادامه دارد.

«جدام»: مرضی است که اعضا را متعفن می‌کند و آنها را متشنج و چرکین می‌سازد یا صدا را خشن می‌کند و باعث ریزش مو می‌شود.

«استسقاء»: نفخ شکم یا ورم دیگر اعضاست؛ این بیماری سه نوع است: رقی و طبلی و لحمی (هر کدام جداگانه تعریف شده‌اند).

در فصل سوم این بخش انواعی از غذاها تعریف شده است از جمله غذاهایی که با ماهی درست می‌شوند مثل «سُمیکات» غذاهایی که از ماهی ریز درست می‌شوند و «سمک ممقور»: ماهی شوری که در سرکه و امثال آن قرار می‌دهند.

وی ضمن بیان ادویه مفرده و تعریف تعدادی از آنها، دسته‌ای از آنها را که دارای اسامی تشبیهی هستند به صورت جداگانه آورده و تعریف کرده است و اسامی مشترک دارای یک معنی را توضیح داده است؛ مثلاً «بصل الفار» همان «أسقیل» است یا «بقلة الیمانیة» همان بقلة الحمقاء است که آن نیز همان «رجله» است.

در این قسمت بخشی به داروهای ترکیبی و معجون‌شده اختصاص داده شده است؛ مثل «مطبوبات»: پختنی‌ها، «أضمده»: ضمادها، «جوارشنت»: ملین‌ها و...

بخش طب آن برای فهم اصطلاحات متداول در کتب طبی بسیار مفید است. در علم عدد، هندسه و نجوم نیز همین روش اعمال شده است یعنی اصطلاحات کلی و مهم آنها بسیار کوتاه و درعین حال واضح بیان شده‌اند.

در علم موسیقی بخشی به آلات موسیقی اختصاص داده شده که ضمن آن اسامی آلات موسیقی و چگونگی ساختمان آنها تبیین شده است. در آغاز آن می‌گوید: «موسیقی» لفظی است یونانی و به معنی ترکیب الحان است (همان). بعد از آن به کلیات علم موسیقی پرداخته است که در ضمن آن، اصطلاحات علم موسیقی مثل «نغمه»، «بُعد»، «بُعد ذو خمس» و بعد از آن وزن‌های متداول در موسیقی مثل «ایقاع»، «هنج» و امثال آنها تعریف شده است.

در باب علم الحیل یا صناعة الحیل که در ضمن دو فصل اصطلاحات مربوط به آن توضیح داده شده است، ابتدا در تعریف آن می‌گوید: این دانش را به یونانی «منجانیقون» (مکانیک) می‌گویند و یکی از اقسام آن جرّ ائقال با نیروی اندک است (همان). پس از آن در فصل دوم این علم، به حرکات آب و ساختن ظرف‌های حیرت‌آور و آلاتی که خودبه‌خود دارای حرکت‌اند، پرداخته است؛ از آن جمله است «سحاره» یا «سارقة‌الماء» یا آبدزدک.

آخرین علم، صنعت کیمیاست که در طی سه فصل مباحث مربوط به آن بیان شده است:

فصل اول در ابزار و آلات این صنعت است. می‌گوید «کیمیا» کلمه‌ای عربی است از «کمی»، «یکمی» مشتق شده است به معنای پوشیده و پنهان داشتن. در ذیل این فصل برخی از ابزار و آلات این صنعت مثل «کُور» = کوره، «قرع و أنبیق» توضیح داده شده است.

فصل دوم در اسامی جوهرها و عقاقیر مورد استفاده کیمیاگران است که معمولاً از آنها به رمز یاد می‌کنند مثلاً از «ذهب» یعنی طلا به «شمس» و از فضّه به معنی نقره به «قمر» و از «نحاس» به معنی مس به «زهره» تعبیر می‌کنند. در این فصل تعدادی از جوهرها را نام برده و توضیح داده است.

در فصل سوم شیوه به‌کار بردن و تهیه و ترکیب این اشیا بیان شده است؛ مثل تقطیر (عملی مانند تهیه گلاب) و تصعید (عملی شبیه تقطیر در مورد اشیا خشک) و تشمیع (چیزی را نرم کردن و به‌سان موم درآوردن) و تکلیس (فلز را به‌صورت گرد یا آرد درآوردن) و تصویل (شیئی را به حالتی درآوردن که به شکل غبار روی آب بایستد). با این فصل کتاب پایان یافته است.

این کتاب شاید در تدوین و تألیف کتبی همانند آن که مشتمل بر چند علم هستند، نمونه و الگوی مناسبی بوده است؛ برای تألیفات مثل *جامع‌العلوم* (جامع ستینی) «فخر رازی» (۵۲۸-۵۸۸ ه.ش/۵۴۴-۶۰۶ ق) تألیف شده قبل از ۵۷۹ ه.ش/۵۹۶ ق که مشتمل است بر ۶۰ علم و *یانفایس الفنون فی عرایس العیون* اثر «شمس الدین محمود آملی» (وفات ۷۳۱ ه.ش/۷۵۳ ق) در نیمه دوم قرن هشتم هجری مشتمل بر ۱۶۰ علم. آملی احتمالاً با الهام از خوارزمی کتاب خود را دو قسم کرده است: یک قسم به علوم قبل از اسلام و به تعبیر خودش «علوم اوایل» که متضمن ۷۵ علم است اختصاص دارد و قسم دیگر را به «علوم اواخر» یعنی علوم بعد از اسلام که مشتمل بر ۸۵ علم است، تخصیص داده است.

۹.۲ دانشنامه علایی

دانشنامه دیگری که در این نوشته به‌صورت اجمالی بررسی می‌شود، *دانشنامه علایی* اثر ابن سیناست.

ابن سینا در آغاز می‌گوید: در نظر دارم «پنج علم از علم‌های حکمت پیشینگان را گرد آورم به‌غایت مختصر:

- یکی علم منطق که علم ترازو است؛
- دوم علم طبیعیات که آن علم چیزهایی است که به حس تعلق دارند و اندر جنبش و گردش‌اند؛
- سیوم علم هیئت و نهاد عالم و حال صورت جنبش آسمان‌ها و ستارگان...؛
- چهارم علم موسیقی و باز نمودن سبب ساز و ناساز آوازه‌ها و نهاد لحن‌ها؛
- پنجم علم آنچه بیرون از طبیعت است».

ابن سینا در دانشنامه علایی برخلاف دیگر آثار فلسفی‌اش بعد از منطق، الهیات را مورد بحث قرار داده است؛ در حالی که در دیگر آثارش معمولاً الهیات در آخر قرار دارد (ابن سینا، ۱۳۸۳).

به نقل از مرحوم دکتر محمد معین، مصحح بخش الهیات دانشنامه، در نسخه‌های کامل این دانشنامه، هندسه و ارثماتیکی را بر آن افزوده‌اند (همان، مقدمه). دانشنامه علایی نظیر دیگر آثار مهم ابن سینا مثل *النجاة و الشفاء* است، اما دو تفاوت با آنها دارد یکی این که به زبان فارسی است و دیگر آن که مختصرتر است. به نظر مرحوم استاد سید محمد مشکوة، مصحح بخش طبیعیات دانشنامه علایی، این اثر اولین کتاب فلسفی به زبان فارسی است: «مطلقاً، در زبان پارسی، قدیم‌ترین کتابی است که اقسام فلسفه نظری را در بر دارد» (همان، ۵).

این کتاب، دانشنامه‌ای است در حوزه علوم که نام برده شد و سه تفاوت اساسی با مفاتیح‌العلوم خوارزمی دارد؛ یکی آن که به زبان فارسی نوشته شده است؛ دوم آنکه فقط در پنج علم است که با یکدیگر نوعی قرابت دارند و همه از اقسام اصلی یا فرعی فلسفه‌اند و سوم آنکه در باب موضوعات مورد نظر، بسیار مفصل‌تر از مفاتیح‌العلوم است که در واقع در آن از هر علمی، مطالب کوتاهی انتخاب شده بود.

روش بحث ابن سینا در این کتاب، مثل دیگر آثار جامعش یعنی *الشفاء و النجاة* و آخرین آنها *الأشارات و التنبيهات* است؛ فقط تفاوت آنها به اجمال و تفصیل است.

تقریباً عموم کتبی که بعد از ابن‌سینا در این حوزه تألیف شده‌اند، به همان روال تدوین و تنظیم شده‌اند؛ یعنی مشتمل‌اند بر منطق و طبیعیات و الهیات و البته اغلب فاقد بخش‌های ریاضی یا موسیقی هستند. بنابراین روش ابن‌سینا در دانشنامه‌علایی، در تاریخ تألیف دانشنامه‌های فلسفی تا دوره‌های متأخر همچنان مورد تقلید اساتید فن بوده است.

در ادامه شایسته است از دانشنامه‌هایی یاد شود که در حوزه یکی از علوم تخصصی تألیف شده‌اند. نشاط علمی جهان اسلام در سده‌های سوم تا پنجم هجری، منجر به پدیدآمدن مجموعه‌هایی متنوع از دانشنامه‌های تک‌دانشی شد که بسیاری از آنها تا سده‌های متمادی مورد استناد دانشمندان و از منابع مرجع علوم به‌شمار می‌آمدند.

۳. دانشنامه‌های پزشکی

۱.۳ فردوس‌الحکمة

شماری از شاخص‌ترین این دانشنامه‌ها در دانش پزشکی تنظیم شده‌اند. کهن‌ترین دانشنامه پزشکی که امروزه به‌طور کامل برجای مانده و منتشر شده است، فردوس‌الحکمة اثر «علی بن سهل بن طبری» است که علاوه بر موضوعات پزشکی، دارای اطلاعات وسیع در حکمت طبیعی است. ابن طبری کتاب خود را «کناش» (مجموعه مختصر) نامیده است. این کتاب در دسته‌بندی موضوعات خود از برخی تألیفات یونانی پیروی کرده است و بسیاری از نویسندگان آثار پزشکی عربی هم از او پیروی کرده‌اند. خود نویسنده تصریح دارد که روش بقراط و ارسطو را در پیش گرفته؛ به این معنا که نخست به بیان کلیات و آنگاه به بررسی موضوعات خاص پرداخته است. مطالبی که درباره پزشکی هندی در پایان کتاب نقل شده، آن را در نوع خود شاخص و متمایز ساخته است. در مجموع فردوس‌الحکمة مجموعه‌ای از طب یونانی و هندی با انبوهی از داروهای ایرانی است. کتاب در توصیف بیماری‌ها، مطالبی چندانی ندارد و بخش عمده آن موضوعات نظری است. کتاب دارای هفت بخش (نوع) و در مجموع ۳۰ مقاله است و ۳۶۰ فصل دارد. نویسنده کتاب را در ۲۳۶ق در سامرا و در دوره خلافت متوکل به پایان برده است (میرهف؛ صدری‌افشار، ۱۳۹۴).

۲.۳ الحاوی

از دیگر دانشنامه‌های پزشکی در این دوره، مجموعه‌ای مفصل از یادداشت‌های «محمدبن زکریای رازی» پزشک مشهور ایرانی است که *الحاوی* نام دارد. این اثر پس از مرگ رازی و به امر ابوالفضل بن عمید و توسط شاگردان رازی تألیف شده است. این کتاب از مهم‌ترین دانشنامه‌های پزشکی است که موضوعات آن به تفصیل و گسترده بررسی شده است. این مجموعه طبق نسخه‌های برجای مانده از آن در ۲۳ جلد منتشر شده است. گردآورندگان کتاب، آن را براساس روش معمول کتاب‌های پزشکی در آن دوره منظم کرده‌اند. موضوعات در نسخه چاپی این کتاب (چاپ حیدرآباد) به این صورت است: جلد ۱ تا ۱۰ بیماری‌ها؛ جلد ۱۱ نقرس، انگل‌ها؛ جلد ۱۲ و ۱۳ زخم‌ها؛ جلد ۱۴ تا ۱۶ تب‌ها؛ جلد ۱۷ بیماری‌های حاد؛ جلد ۱۸ بحران‌ها؛ جلد ۱۹ آزمایش ادرار و گزیدگی‌های حیوانات و سموم؛ جلد ۲۰ تا ۲۲ داروهای مرکب و داروسازی؛ جلد ۲۳ مربوط به مصرف غذاها، نوشیدنی‌ها و بیماری‌های پوست. گفتنی است در این مجموعه بزرگ، از مسائل نظری و تشریح و جراحی، بحثی مطرح نشده است. مباحث بسیاری از کتاب *الحاوی* همچنان مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار نگرفته است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ذیل مدخل «الحاوی»).

۳.۳ کامل الصناعة الطیبة

سومین دانشنامه شاخص در پزشکی، *کامل الصناعة الطیبة* اثر «علی‌بن عباس مجوسی اهوازی» پزشک نامدار دوره عباسی است و به نام عضدالدوله دیلمی نوشته شده است. این دانشنامه نسبت به *الحاوی* رازی نظم بهتر و اختصار بیشتری دارد. *کامل الصناعة* از روزگار تألیف آن، مورد اقبال و مراجعه قرار گرفت، گرچه پس از تألیف قانون ابن‌سینا، توجه به این کتاب کاهش یافت. *کامل الصناعة* دو بخش عمده دارد و در مجموع ۲۰ باب است. نیمی از ابواب آن به طب نظری و نیم دیگر به طب عملی اختصاص دارد. کتاب جنبه آموزشی و نیز دانشنامه‌ای دارد. موضوعات بخش نظری آن، از کلیات طب آغاز شده، به موضوعاتی مانند تشریح، بررسی قوای نفسانی و چگونگی آنها می‌پردازد. از مقاله ششم بحث درباره انواع بیماری‌ها شروع می‌شود و با بررسی انواع تب‌ها،

زخم‌ها و بیماری‌های پوستی ادامه می‌یابد. بخش عملی کتاب در ۱۰ فصل به موضوعات بهداشت و تأثیر داروهای مختلف بر بیماری‌ها و درمان انواع تب‌ها و بررسی بیماری‌های شناخته‌شده‌ای مانند آبله و سرخک و درمان بیماری‌های مختلف اختصاص دارد. بخش‌هایی در موضوع جراحی و داروسازی از دیگر موضوعات این دانشنامه است (رشنوزاده، ۱۳۸۹).

۴.۳ القانون

در رأس دانشنامه‌های پزشکی این دوره، کتاب *القانون* «ابن سینا» جای دارد. قانون، دانشنامه پزشکی عظیمی است که علاوه بر تأثیر گسترده آن در جهان اسلام، در قلمرو مسیحیت نیز تأثیرگذار بود و تا قرن‌ها به‌عنوان کتاب مرجع باقی ماند. کتاب، جامع معارف پیش از اسلام و تجربیات دوره اسلامی تا عصر نویسنده است. مقبولیت آن نزد عموم، علاوه بر اطلاعات گسترده آن، به دلیل ترتیب منظم و جزمیت آن بوده است. امروزه کتاب قانون به صورت گسترده مورد توجه و استناد دانش‌پژوهان است و دوره‌های آموزشی براساس مطالب آن برگزار می‌شود. قانون پنج بخش دارد؛ بخش اول از مقدمات علم طب و شناخت مزاج‌ها و اخلاط و تشریح اعضای مختلف بحث می‌کند؛ بخش دوم درباره ادویه مفرد و خواص آنهاست؛ بخش سوم به بیماری‌های مختلف اعضای بدن می‌پردازد؛ بخش چهارم به ذکر انواع تب‌ها و بیماری‌های عفونی اختصاص دارد؛ بخش پنجم به داروشناسی به‌ویژه داروهای مرکب (قرابادین) می‌پردازد. از دیگر متون دانشنامه‌ای که در این دوره، در دیگر شاخه‌های علوم تألیف شده‌اند، تنها به چند مورد اشاره می‌شود؛ در زمینه علم تاریخ می‌توان از *البدء و التاريخ* اثر «مطهر بن طاهر مقدسی» یاد کرد. گرچه *البدء و التاريخ* کتابی در موضوع تاریخ به‌شمار می‌رود، اما مؤلف آن قصد تنظیم دایرةالمعارفی از دانش‌های زمانه خود را داشته است. کتاب، ۲۲ فصل دارد و در آن طرحی از مسئله آغاز و انجام آفرینش، تصویر شده است. کتاب با بحث فلسفی شناخت و معرفت آغاز می‌شود، رفته‌رفته به موضوعاتی همچون اثبات باری تعالی و رسالت انبیا و کیفیت وحی می‌پردازد. بحث آفرینش را با اشاره به آموزه‌های دینی درباره لوح و قلم و عرش و کرسی آغاز می‌کند، به آرای فلاسفه درباره آفرینش و به رستاخیز و پایان جهان می‌پردازد. تاریخ انبیا و پادشاهان ایران و ادیان و

مذاهب روی زمین، از دیگر موضوعات مهم این کتاب است. فصلی درباره جغرافیا و اقلیم‌ها نیز دارد. همچنین نویسنده فصولی را نیز به موضوع انساب و قبایل عرب و زندگی پیامبر و اصحاب او و حوادث پس از رحلت پیامبر و ظهور فرق و مذاهب اختصاص داده است. کتاب به لحاظ تاریخی، به خلفای اموی و عباسی تا عصر مؤلف نیز پرداخته است.

در زمینه کتاب‌شناسی، کتاب *الفهرست* «ابن ندیم» دانشنامه‌ای بی‌مانند است. فهرست ابن ندیم در ده مقاله علاوه بر اینکه کتاب‌شناسی جامعی از متون عربی را دربردارد، از نوعی طبقه‌بندی دانش‌ها نیز پیروی می‌کند. بخش‌های دهگانه این کتاب به موضوعات زبان‌ها، خط‌ها، کتاب‌های دینی، قرآن؛ علمای نحو و لغت؛ اخبار، آداب، سیر و انساب؛ شعر و شاعران؛ کلام و متکلمان؛ فقه و حدیث؛ فلسفه و علوم قدیم شامل طبیعیین و منطقیین، ریاضی دانان، موسیقی دانان، منجمان، سازندگان اسباب حیل و حرکات، طب؛ اسمار (افسانه‌ها) و سحر؛ مذاهب و اعتقادات؛ و کیمیا اختصاص دارد.

برای اشاره به متون دانشنامه‌ای در حوزه علوم دینی می‌توان به عنوان نمونه از کتاب *المغنی فی ابواب التوحید والعدل* اثر متکلم معتزلی «قاضی عبدالجبار همدانی» یاد کرد که از جمله آثار جامع در کلام معتزلی به‌شمار می‌رود که به تفصیل به مباحث کلام پرداخته است. این مجموعه مهم فلسفی که ۲۰ جلد از آن امروزه باقی مانده است، دربردارنده مهم‌ترین مباحث کلامی زمان خود است. موضوعاتی همچون رؤیت باری تعالی، فرقه‌های غیرمسلمان، عدل الهی، اراده، خلق قرآن، مخلوق، تولد، آجال، ارزاق، تکلیف، وجوب نظر درباره باری تعالی، نظریه لطف، اصلح در افعال باری تعالی، نبوت و معجزات پیامبران، نظریه امامت به همراه مجلدی در اصول فقه از مجموعه مباحث مفصل این کتاب است.

از آثار دانشنامه‌ای که در زمینه نجوم و هیئت تألیف شده است، نیز می‌توان از کتاب *القانون المسعودی* اثر «ابوریحان بیرونی» نام برد که به نام سلطان مسعود غزنوی در ۴۱۵ هـ.ش / ۴۲۷ ق تألیف شد. این اثر در واقع جامع موضوعات نجوم و هیئت است که در دوره بیرونی، مورد مطالعه منجمان مسلمان قرار گرفته بود. بیرونی در تألیف این اثر از تحقیقات یونانی، هندی، ایرانی و دانشمندان مسلمان پیش از خود استفاده کرده است. کتاب یازده بخش دارد. که از مقدمه بر صناعت نجوم آغاز می‌شود و در ادامه به

موضوعاتی مانند تبدیل تاریخ‌ها، اصول و ترها و استخراج آنها، در مقدار زاویه تقاطع معدل النهار با منطقة البروج و ... می‌پردازد.

گفتنی است در بین سده‌های سوم تا پنجم هجری گونه‌هایی دیگر از متون دانشنامه‌ای نیز شکل گرفتند که برخی از آنها براساس علوم طبیعی و دانش جغرافیا و تجارت سیاحان پدید آمده بودند. یکی از نمونه‌های این آثار در دوره تاریخی موردنظر ما *تحفة الغریب* اثر «محمد بن ایوب طبری» است که خود از جمله منابع تألیف دانشنامه‌ای دیگر به نام *نزهت‌نامه علائی* است. *نزهت‌نامه علائی* اثر «شهمردان بن ابی الخیر» که در اواخر سده پنج هجری تألیف شده، نمونه‌ای دیگر از دانشنامه‌های چنددانشی به زبان فارسی است. مؤلف در تألیف این اثر، از مهم‌ترین آثار مرجع پیش از خود بهره برده است. کتاب دو بخش اصلی دارد، یکی در خواص و منافع و طبایع مردم و حیوانات و نباتات و جمادات است و بخش دیگر در خواص و طبایع و فواید حساب و نجوم و علمی از این قبیل است.

آثاری که در این نوشته از آنها یاد شد، فقط بخشی از متون دانشنامه‌ای هستند که در طی سده‌های سه تا پنج هجری تألیف شده‌اند. بررسی و معرفی همه آثار دانشنامه‌ای مربوط به این دوره از حوصله این مقاله خارج بوده و نیازمند فرصتی دیگر است.

پی‌نوشت

- [۱]. لازم به یادآوری است که بیشتر مطالب راجع به تحولات علمی بغداد را که از این پس می‌آید با تلخیص و تغییر و اضافاتی از مقدمه ممتع دکتر ثروت عکاشه مصحح فاضل کتاب المعارف ابن قتیبه برگرفته‌ام.
- [۲]. برای اطلاع دقیق از کار منصور در ساختن بغداد به این منابع رجوع شود: یاقوت در معجم البلدان، یعقوبی در البلدان، طبری در تاریخ خود، ابن اثیر در الکامل، ابن خطیب در تاریخ بغداد و منابعی از قبیل کتب اصطخری و ابن حوقل و مقدسی و بلاذری.
- [۳]. پیش از دکتر عکاشه هم این کتاب تصحیح و چاپ شده است اما نه چنان که در شأن آن است.
- [۴]. برای تحلیلی از موضوعات قابوسنامه نک: فریدون الهیاری، «قابوسنامه عنصرالمعالی و جریان اندرزنامه نویسی سیاسی در ایران دوران اسلامی»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۳۰-۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۱ش.
- [۵]. گزارش تفصیلی درباره این کتاب، براساس ترجمه مفاتیح العلوم خوارزمی از استاد محترم سیدحسین خدیو جم از مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۲ش. برگرفته شده است.

کتاب‌نامه

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۰). «ابن قتیبه». در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، به سرپرستی محمد کاظم موسوی بجنوردی، ج ۴.

دانشنامه‌های کهن ایرانی - اسلامی در سده‌های... (نجفقلی حبیبی) / ۱۲۷

تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۴۸ق). *الکامل فی التاریخ*. ج ۹. قاهره: المنلیبریه.

ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۷۰م). *وفیات الاعیان و انباء و انباء الزمان*. ج ۶. بیروت: دارالثقافه.

ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳). *دانشنامه علایی*. تصحیح محمد معین؛ سید محمد مشکوة. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

خوارزمی، محمد بن احمد (۱۳۶۲). *ترجمه مفاتیح العلوم نگارش یافته بین سال‌های ۳۶۷-۳۷۲ هـ.ق.*، ترجمه حسین خدیوچم.

تهران: علمی و فرهنگی.

دینوری، ابن قتیبه (۱۹۶۰). *دانشنامه المعارف*. به کوشش ثروت عکاشه. القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

رشنوزاده، بابک (۱۳۸۹). *کامل الصناعة الطیبة*. کیهان فرهنگی، ش ۲۸۲-۲۸۳، فروردین و اردیبهشت.

فرزانه، بابک (۱۳۸۸). «جاحظ» در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، به سرپرستی محمد کاظم موسوی بجنوردی. ج ۱۷. تهران:

مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

کاتوزیان، مهرناز (۱۳۹۱). «الحاوی». در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، به سرپرستی محمد کاظم موسوی بجنوردی. ج ۲۰.

تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

میرحرف، مارکس؛ صدری افشار، غلامحسین (۱۳۹۴). «فردوس الحکمة یکی از نخستین دانشنامه‌های مختصر پزشکی»،

میراث علمی اسلام و ایران، ش ۷، بهار و تابستان.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۶۴). *اخلاق ناصری*. تصحیح مجتبی مینوی؛ علی رضا حیدری. تهران: خوارزمی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی